

## جدال مذهبیون و قرانیون در امریکا

دکتور فرید یونس

درین یکسال که گذشت در تلویزیون های بیرون مرزی که اکثراً از امریکا پخش می‌شود ، مردم شاهد یک سلسله کشمکش ها ، جدال‌ها و حتی به کفر بستن های همدیگر در مورد اینکه یک عده احادیث پیشوای اسلام را قبول دارند و یک عده قبول ندارند ، هستند

هدف این نوشتار بررسی کوتاه هر دوجانب برای بار اول در مطبوعات یک مسأله حیاتی در زندگی ما مسلمانان است. من منحیث یک محقق و جامعه شناس مسلمان که زیاد تر از سی سال به اینسو در رشته اسلام شناسی کار می‌کنم و نه از گروه مذهبیون هستم و نه از گروه قرانیون با این باور ام تا این مسأله از یک دید نو نگارش یابد. بنابراین باید در اول خاطر نشان کنم که من از علمای پیشین حدیث که صد ها کتاب در مورد حدیث تألیف کرده اند، آرزو ندارم کار گیرم تا بتوانم موضوع را از بغرنجی که وجود دارد ، اگر بتوانم بیرون بکشم به دو دلیل : اول دید نو ایجاب یک بازنگری نو را می‌کند و دوم در کشوری که ما حیات به سر می‌بریم آزادی دین از اساسات عمده نظام سیاسی است و کسی نه می‌تواند به همدیگر گوید «بالای چشمت ابرو ست». تنها از طریق یک تحقیق دوباره و باز نگری صادقانه است که ما می‌توانیم به یک نتیجه برسیم و این بازنگری تنها در عالم هجرت امکان پذیر است نه در کشور های اسلامی. یک دلیل عمده که هجرت در اسلام بسیار حائز اهمیت است برای این است که تاریخ اسلام با هجرت آغاز می‌یابد نه تولد پیشوای اسلام (ص) و یا نزول قرآن مجید ، زیرا هجرت بیدار کننده است ، هجرت آموزنده است و هجرت انسان ساز است. وقتی که به تاریخ جهان نگاه می‌کنیم ، می‌بینیم که تمدن های بشری با هجرت آغاز یافته است و بهترین مثال آن به وجود آمدن ایالات متحده آمریکا است در هجرت خارج از قلمرو اسلامی دین در انحصار حکومت و یا یک گروه خاص نیست و چون خداوند به انسان فکر آزاد اعطا کرده است و انسان یک موجود جستجوگر و آزاد منش است ؛ ازین لحاظ انسان در کوشش است تا خود حقیقت را برای خود درک و کشف کند. درین حالت است که فکر آزاد در فضای آزاد بدون هیچگونه

هراس خوب و بد را تجربه می‌کند و متقبل خطر ستیزی ها یا به اصطلاح (ریسک ها) می‌شود

قبل ازینکه به تجزیه و تحلیل موضوع بپردازیم بهتر خواهد بود تا تعریفی از مذهبیون و قرانیون داشته باشیم مذهبیون آن عده مسلمانان هستند که احادیث مبارک پیشوای اسلام را بدون هیچگونه تدبیر و تفکر قسمیکه برای ما به میراث رسیده ، قبول کرده‌اند و عقیده دارند که همه احادیث که در بخاری و مسلم و دیگر مراجع حدیث مانند ترمذی و غیره روایت شده ثقّه هستند و کسانیکه احادیث را قبول ندارد کافر هستند و آنانیکه ضد حدیث هستند ضد قرآن هستند ، زیرا حدیث مرجع دوم شریعت بعد از قرآن کریم است

قرانیون آن عده از مسلمانان هستند که احادیث را همه رد می‌کنند و اعتقاد دارند که قرآن مجید برای رهنمائی بشر کافی است و احتیاج به حدیث نیست زیرا احادیث زیاد تر جعلی است و باعث بدبختی های مسلمانان شده است و تفرقه را به وجود آورده است در حالیکه قرآن به مسلمانان اتحاد را آموزش و دستور میدهد نه تفرقه را مشکل مذهبیون در درازای تاریخ این بوده که اعتراف نه می‌کنند که از امکان به دور نیست احادیث جعلی در مجموعه احادیث که در دست داریم شامل شده باشد ، زیرا به تحقیقات جدید اعتقاد ندارند و ازین موقف خود به هیچ صورت بیرون نه می‌روند. همچنان مطالب دیگر در مورد مذهبیون امروز در نوار ها منحیث یک سند تحقیقاتی نزد مردم ثبت است که من برای اینکه تحقیق ما روحیه خصمانه را نگیرد از ذکر نام های اشخاص خود داری می‌کنم تا این تحقیق کوتاه از نگاه علم تحقیق جنبه مغرضانه نداشته باشد. مذهبیون در گفتار خود شرایط زمان و مکان را مد نظر نه می‌گیرند و بار ها گفته‌اند که نه میتوان قرآن را با عصر و زمان که زندگی می‌کنیم تفسیر کرد. در حالیکه من چندین بار این سخن مشهور حضرت ابن عباس را نقل قول کرده‌ام که “ القرآن ،

یُفسِر الزمان ” یعنی قرآن نظر به ایجابات زمان تفسیر میشود. مذهبیون به اصالت انسان منحیث یک موجود که خداوند او را آزاد آفریده اعتقاد ندارند و معتقد هستند که هر مطلبی را که آن‌ها املا می‌کنند باید مردم کورکورانه قبول کنند و مردم حق ندارند از خود در مورد دین چیزی بگویند و چنین معتقد هستند که دین و اسلام تنها برای علما نازل شده است و تنها علما حق صحبت در دین را دارند. این روحیه برای این است که مذهبیون تفاوت میان علوم انسانی و علوم اجتماعی را درست ندانسته‌اند و یک مثال مضحک می‌آورند که «شما اگر یک بیماری دارید ، نزد طبیب مراجعه می‌کنید پس کسی که درس رسمی اسلام را در مدرسه‌ها ی دینی تحصیل نکرده نباید

در دین صحبت کند.» برای روش شدن موضوع باید تشریح مختصر از علوم انسانی و علوم اجتماعی را پیشکش خوانندگان کنیم. علوم انسانی آن علومی است که با روش و تمرین میتوان آموخت. طور مثال یک کودک ده ساله در اثر آموختن روش و تمرین قرآن کریم سی سپاره را حفظ میکند. یا یک شخصی که سواد زبان ندارد و یا ادبیات تحصیل نکرده میتواند یک شاعر زبر دست باشد مانند صوفی عشقوری. مثال سوم چرچیل، صدراعظم مشهور انگلیس صنف دوازده را تمام نکرده بود و اما از بزرگترین سیاستمداران قرن بیستم به شمار میرود. مسلمانان صدر اسلام فقط روش مسلمان بودن را از پیشوای خود محمد (ص) آموخته بودند نه اینکه در دانشگاهها دین را فرا گرفته باشند. برای ثبوت بسیار جالب و دیدنی اینکه موسیقی از علوم انسانی است لطفاً فلم مشهور «آمادیوس» را تماشا کنید. می بینید که یک پسر کوچک چهارده ساله داخل دربار اتریش می شود و کامپوزیتور دربار را که عمرش از پنجاه بالا بود و همه عمر کامپوز کرده بود نه تنها اصلاح میکند بلکه از مقامش به زمین می زند. این پسر خورد سال موزارت است. دین، علوم سیاسی، تاریخ، ژورنالیزم و آرت و موسیقی و فهرست آن دراز است، همه از علوم انسانی است و باید روش را آموخت و تمرین کرد. علوم اجتماعی آن است که تنها با روش و تمرین نه می توان آموخت و باید تئوری های آن مسلک را هم آموخت مانند جامعه شناسی، روان شناسی، طب، ریاضی و غیره که این دسته هم به ساینس و سوشل ساینس تقسیم بندی شده است.

(من در یکی از مساجد شمال کلیفورنیا به نماز رفته بودم و 2013 روز جمعه مورخ جولای سال جاری) واعظ محترم در جریان خطبه اظهار داشت «که اگر یک حدیث به عقل شما نیست باید خاموش باشید. علما در مورد این احادیث سالها کار کرده اند اما عقل شما قوه فهم آنرا ندارد.» درین هیچ جای شک نیست که علما در مورد حدیث صد ها کتاب نوشته اند و به اندازه موضوع حدیث را جنجال بر انگیز ساخته اند که انسان به حیرت می رود. یک سخن پیشوای اسلام را ده تعبیر کرده اند. در حالیکه پیامبر (ص) فرموده است که شما به عقل مردم سخن گوئید و خودش به زبان مردم و بسیار عامیانه صحبت میکرد و اما علما چه کرده اند: با هزار ها کتاب از حدیث یک موضوع بغرنج ساخته اند و در اثر تعبیر، عقل خود را از پیامبر بالا تر دانسته اند. زیرا وقتی که یک شخص یک حدیث را که به صورت بسیار عام فهم گفته شده تحلیل و تفسیر کند یعنی که او سخن پیامبر را فهمیده و دیگران نه فهمیده اند. به عبارت دیگر عقل خود را از پیامبر بالا تر دانسته و از نگاه روانشناسی نیت پیامبر (ص) را هم دانسته است که چه گفته است!! موضوع دیگر اینکه زیر بنای شریعت عقل است و دین اسلام دین فطرت انسانی است. پس گفتار پیامبر (ص) به عقل و فطرت انسانی برابر است نه اینکه مخالف فطرت انسان باشد. از نگاه منطق تطبیقی دین، آن چیزیکه به عقل انسان سازگار نباشد آن از محمد (ص) نیست. این خطبه من را چنان ناراحت ساخت که تصمیم گرفتم در برنامه «داکتر یونس شو» فردای آن روز، موضوع را بدون ذکر نام خطیب محترم یاد کنم و او را متوجه بسازم که مردم را در تنگنای فکری قرار ندهد زیرا درین کشور همچو اندیشه خریدار ندارد. مذهب یون چنین عقیده دارند که نباید علما را مورد انتقاد قرار داد. این موضوع را نه می خواهند اعتراف کنند که علمای کرام نظر به دید و بینش دوران خود و فضای سیاسی همان دوره سخن گفته اند و امروز بعضی از سخنان شان در زندگانی امروز جنبه عملی ندارد. طور مثال امام غزالی (ع) که از بزرگترین علمای اسلام نزد فقهای سنی و شیعه به شمار رفته و یک نابغه در امور دینی محسوب می شود، در کتاب مشهورش یعنی کیمیای سعادت در بخش گزاردن حق صحبت مینویسد «درجه اول کافران اند، اگر از اهل حرب باشند، خود دشمنی با ایشان فریضه است و معاملت با ایشان کشتن و بنده گرفتن است. درجه دوم اهل ذمت اند، دشمنی با ایشان فریضه است و معاملت با ایشان آن است که ایشان را حقیر دارند و اکرام نکنند و راه براه ایشان تنگ دارند در رفتن. اما دوست داشتن ایشان به غایت مکروه است و باشد که به درجه تحریم رسد» (جلد 1). آیا امروز این امکان دارد که در آمریکا و اروپا همین وضعیت که غزالی خواستار شده در 398 اول صفحه جامعه امروز عملی کنیم؟ مذهب یون میگویند که نباید احادیث را که یک و صد پنجاه سال بعد از رحلت پیشوای اسلام محمد مصطفی (ص) تدوین شده انتقاد کرد حتی که جعلی باشد. در حالیکه قرآن کلام الله است و جای خود را دارد و حدیث سخن پیامبر است، جای خود را دارد. کلام الله وحی است و سخن پیامبر از زبان او نقل قول شده است نه اینکه پیامبر خودش یک کتاب به نام سخنانش تدوین کرده باشد. پس این سخن مذهب یون که آن کسی که مخالف حدیث است، مخالف قرآن است، سخنی است بسیار نابجا و بی مورد. مذهب یون هر نوع دست درازی به متون دینی خارج از قرآن را کفر میدانند. مذهب یون به تحقیقات نو در مسایل دینی مانند بر ملا شدن اینکه

حضرت بی بی عایشه صدیقه (رض) در وقت نکاح با حضرت محمد (ص) نه ساله نبوده بلکه شانزده یا بالاتر مورخ اول 767 بوده است اعتقاد ندارند. (لطفاً به تحقیقات استاد بشیر احمد انصاری، هفته نامه وزین امید شماره مراجعه نمائید). مذهب یون اعتقاد ندارند که امروز در قرن بیست و یکم در ماه رمضان مردم 2007 جنوری دندان های خود را در طول روز برُس کنند و از کریم دندان استفاده نمایند در حالیکه پیشوای اسلام (ص) دندان های خود را در رمضان مسواک میکرد و اما مذهب یون اعتقاد به همان حدیث دارند که بوی دهن روزه دار به مشک می ماند. مذهبی این را فکر نه می کند امروز ما با مردم غیر مسلمان در دفاتر کار می کنیم و اگر دهن ما بوی بد دهد باعث نه تنها بد نامی شخصیت خود ما بلکه مهمتر از همه باعث بد نامی اسلام میشود. مذهبی به بعضی از فرهنگ های قومی و قبایلی آفریقا که به نام حدیث درج کتاب های دینی شده اعتقاد دارند مانند حدیث جعلی « ختنه سنت است برای مردان و خوب است برای زنان». مذهب یون موسیقی را حرام میدانند. تصوف را بدعت می شمارند. شدید مخالف عقلمندی و عقل گرایی هستند. یعنی کسی حق ندارد از عقل خود چیزی در مورد دین بگوید. زن و مرد را از نگاه مدنی مساوی نه می دانند. مخالف آزادی بیان و قلم می باشند و تنها مطالب را میخوانند بشنوند و بخوانند که گذشتگان نوشته اند. چون اکثراً در کشور های جهان سوم تعلیم آموخته اند، تحقیق برای شان این است که مطالب را که گذشتگان نوشته اند دوباره زیر یک عنوان نو بنویسند. در حالیکه «ریسرچ» در جهان پیشرفته این نیست که محقق تنها گذشتگان را نقل قول کند. «سُرچ» در زبان انگلیسی جستجو معنی میدهد و پیشوند «ری» دوباره معنی میدهد. «ریسرچ» یعنی دوباره پیدا کردن که کسی دیگر آنرا قبلاً نه نوشته باشد. پس محقق امروز اگر تنها به تحقیقات گذشتگان اتکا میکند از نگاه علم تحقیق وقت خود را ضایع کرده است. نتیجه اینکه ذهنیت مذهب یون باعث شده است که مسلمانان در بین ملل جهان مردم فوق العاده پسمانده باشند زیرا از نگاه جامعه شناسی اسلامی در جامعه مسلمان علما پیشتاز جامعه هستند نه آنان که در قدرت هستند. تأسف انگیز این است که مذهب یون همیشه در مقابل آنانیکه خواستند یک کاری برای ترقی و تعالی بکنند مانند مرحوم اعلیحضرت امان الله، قد اعلم میکنند و مردم را به کفر میگیرند. و تأسف انگیز تر اینکه بدیل پیشرفت را پیشکش نه می کنند مخصوصاً تحقیقات نشان میدهد که این همه تنگ نظری و تعصب ریشه و هابی دارد و رنه اسلام دین تعصب، زن ستیزی و تنگ نظری نیست (لطفاً رجوع کنید به کتاب سرقت بزرگ اثر خالد ابو الفضل به زبان انگلیسی

### (The Great Theft by Khaled Abou El Fadl)

قرانیون نه میخوانند قبول کنند که در واقعیت احادیث پیشوای اسلام (ص) مصدر دوم شریعت است و سخت به اشتباه رفته اند. سادهترین مثال که میتوانیم ارائه کنیم نماز است. نماز فرض مسلمانان است و اینکه چگونه باید نماز ادا کرد از احادیث به ما به میراث رسیده است. در کنار این موضوع اگر ما احادیث را یک سره نادیده بگیریم در اساس محمد (ص) را نادیده گرفته ایم زیرا اولین مفسر قرآن مجید پیشوای اسلام است و قرآن با اینکه به زبان و شیوه مردمی نازل شده است، با اینهم نقش پیامبر در تفسیر آن غیر قابل انکار است و مسلمانان بدون آن به بیراهه کشانده خواهد شد. قرانیون در مورد اینکه مذاهب باعث نه تنها تفرقه بلکه قتل و قتال مسلمین در طول تاریخ شده اند، حق به جانب هستند. همچنان یک عده از احادیث جعلی در مجموعه احادیث داخل شده، درین مورد هم حق به جانب هستند و اما اینکه همه احادیث جعلی است به اشتباه رفته اند. مطلب مهمی را که نتوانسته اند درک کنند که از نگاه انتروپولوژی فرهنگی و یا بشر شناسی فرهنگی محمد (ص) بنیانگذار فرهنگ اسلامی است و فرهنگ اسلامی از احادیث و سنت رسول الله مبارک به ما رسیده است و اگر کسی به طور درست حدیث و سنت را نداند نه می تواند فرهنگ اسلامی داشته باشد. (محترمانه خاطر نشان میسازم که کتاب جدید من زیر عنوان «فرهنگ اسلامی: یک مطالعه بشر شناسی فرهنگی» به زبان انگلیسی در بازار کتاب بین المللی در خزان سال جاری در تارنمای آمازون تقدیم علاقمندان کتاب قرار خواهد گرفت). به عبارت دیگر قرآن مجید یک رهنمای کامل بشری است و اما فرهنگ دهنده نیست. قرآن کریم یک دستور اخلاقی است و اینکه چگونه به آن عمل کرد باید به احادیث و روش سیدالمرسلین رجوع کرد. همچنان بدون سنت و حدیث قانونمندی در مسایل کشوری در یک جامعه اسلامی ناممکن است

در احادیث از نگاه علم تحقیق سه مسأله قابل غور و مطالعه می باشد. اول اینکه احادیث یکصد و پنجاه سال بعد از رحلت پیشوای اسلام (ص) جمع آوری شده است. این خود یک نوع مشکل تحقیقاتی است مخصوصاً که

احادیث از اشخاص مختلف با سلیقه های فکری مختلف گزارش داده شده است. از نگاه علم تحقیق که امروز در دانشگاه‌ها به شکل بسیار منسجم در رشته های مختلف تدریس می‌شود و تحقیق هر رشته از رشته دیگر تفاوت دارد، امکان ندارد که سبک راوی که در گزارش حدیث به کار رفته خالی از اشتباه نباشد. و اما کاری که در گذشته کرده‌اند با اینکه روش‌های تحقیقاتی امروزی موجود نبود واقعاً شگفت‌انگیز و قابل ستایش است که سخنان یک پیشوا را یک صد و پنجاه سال بعد از رحلتش جمع‌آوری کرده‌اند. دوم اینکه دانشمندان اسلامی سنت و حدیث را اکثراً یکی می‌شمارند. یعنی سنت را به جای حدیث ذکر می‌کنند و حدیث را به جای سنت و بسیاری اوقات وقتی سنت می‌گویند هدف از هر دو یکی است که این از نگاه تحقیق کار را برای اطلاق موضوع در زندگانی امروز مشکل می‌سازد و سوم اهل تشیع گفتار امامان علی‌مقام را هم حدیث می‌گویند و اما اهل تسنن تنها حدیث را از پیشوای اسلام می‌دانند که این هم یک معضله است زیرا مسلمان نه میدانند که کی چه را گفته است این مطالب قابل بحث است برای اینکه همه و همه بعد از رحلت پیشوای اسلام عرض وجود کرده است. یعنی در زمان پیامبر (ص) مذاهب نبود. علما با دید و بینش مختلف نبود. شیعه و سنی نبود. و اینکه به کدام اندازه احادیث جعلی جعل شده و چقدر سوختانده شده و یا هنوز هم وجود دارد وظیفه نسل امروز است که تحقیقات دامن دار کنند. همچنان بعد از درگذشت بی‌عیب‌نا (رض) که در کنار اینکه اولین سیاستمدار زن به شمار می‌رود، یک محدث درج تاریخ اسلام شده است، یک سلسله احادیث بر علیه زنان در احادیث به چشم می‌خورد در حالیکه تحقیقات نشان میدهد که قرآن و محمد (ص) جزئی ترین ضدیت بر علیه زنان نداشته و اسلام حقوق مدنی زن و مرد را مساوی دانسته است. برای اینکه کار خود را آسان کرده باشیم تعریف حدیث و سنت لازمی است و بعد اینکه چطور می‌توانیم تشخیص درست از هر دو داشته باشیم

حدیث در لغت عبارت است از گفتار زبانی رسول اکرم (ص) در تسنن و همچنان گفتار پیشوای اسلام و امامان بزرگوار در تشیع. حدیث پیشوای اسلام چون جناب شان رهنمای بشریت است جنبه جهانی و کلی دارد. بدین معنی که حدیث کهنگی ندارد و همیشه تا که جهان باقی است مورد استفاده است. مثلاً حدیث پیشوای اسلام که فرموده است «آموختن علم برای مرد و زن مسلمان فرض است.» این حدیث صورت جهانی و کلی دارد و تغییر ناپذیر است

سنت در لغت عبارت است از روش زندگانی پیشوای اسلام است یعنی عمل را که انجام داده است. سنت به جزء بخش عبادات جهانی و کلی نیست و این بزرگترین اشتباه مذهب‌یون است که همه سنت را مانند حدیث جهانی و کلی میدانند در حالیکه سنت مقید به زمان و مکان است. سنت‌ها یک هزار و چهار صد سال پیش اتفاق افتاده است و امروز ما در یک جهان دیگر زندگی می‌کنیم. طور مثال خُفر کردن خندق یک روش پیامبر (ص) آن زمان جنگ بود و اما امروز خندق کردن کار ما را حل نه می‌کند. سرزمین عرب گرمای شدید دارد مخصوصاً در تابستان پس لباس سفید چون حرارت را دفع میکند یک روش همان منطقه است نه اینکه در آب و هوای سان فرانسیسکو هم لباس سفید دراز پوشید برای اینکه سنت است. چهارده صد سال پیش مسواک یگانه راه حل نظافت دندان بود و اما امروز مواد بهتر از مسواک برای سلامتی دندان وجود دارد و نه میتوان تنها به مسواک اکتفا نمود دانشمندان اسلامی در گذشته های دور احادیث و سنت‌ها را بدسته های مختلف دسته بندی کرده‌اند مانند صحیح، احسن، موثق، ضعیف و غیره که شما خواننده گرامی از همه آن واقف هستید و در کتاب‌های حدیث تشریح شده است و تذکر آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است. باید بگویم که این دسته بندی‌ها واقعاً قابل قدر و ستایش است و اما مسلمانان را زیاد به تشویش کرده است. و هدف خداوند و پیامبرش این بود که همه مردم ازین دین مستفید شوند. این همه کوشش‌ها دین را که باید برای همه باشد مختص یک قشر مذهبی کرده است. به عبارت دیگر به جای اینکه علما کار مردم را آسان کنند، کار مردم را مشکل کرده‌اند. ازین لحاظ درین تحقیق، بطور بسیار ساده حدیث را تنها به سه دسته تقسیم بندی می‌کنیم: اول آیا حدیث به نص قرآن مجید مطابقت دارد یا خیر؟ اگر دارد آن حدیث درست است و شک و شبهه در آن نیست. طور مثال قرآن می‌گوید: ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین یعنی خداوند توبه‌کنندگان و پاکان را دوست دارد. حدیث می‌گوید «نظافت نصف ایمان است» باید خاطر نشان کرد که اکثر مردم افغانستان این حدیث را جزء ایمان می‌گویند که درست نیست) می‌بینیم که این حدیث هیچگونه مشکل ندارد. مثال دیگر قرآن می‌گوید وقل رب زدنی علماً یعنی الهی علم من را افزایش بده و حدیث می‌گوید «آموختن علم برای مرد و زن مسلمان فرض است.» پس این حدیث مشکل ندارد

دوم آیا حدیث به شخصیت والای پیشوای اسلام مطابقت دارد یا خیر؟ اگر دارد آن حدیث درست است و اگر ندارد آن حدیث جعلی است. برای این مطلب مطالعه زندگانی پیشوای اسلام امر حتمی و ضروری است و بدون آن نمیتوان حدیث را تشخیص درست نمود. سیدالمرسلین مظهر یک انسان کامل بود. در کار خود امین بود و این لقب قبل از بعثت به وی داده شده بود. حدیث مشهور آن بزرگوار است که می‌گوید «من برای تکامل مکارم اخلاق آمده‌ام». از هرگونه ناپاکی آن مبارک (ص) بدور بود. قلب روف داشت و حتی برای دشمنان خود دعای بد نمی‌کرد. در صفات آن مبارک میتوان کتاب‌ها نوشت. اخلاق، کردار، پیشامد با مردم، همه و همه صفات آن سید المرسلین توسط مسلمان و غیر مسلمان با تحقیقات عمده نگارش یافته است، مخصوصاً وقتی که کتاب «به 1978 جایگاه پُر نفوذ ترین صد شخصیت تاریخ» اثر مایکل هارت که یک محقق غیر مسلمان بود در سال نشر رسید، مقام والای حضرت محمد مصطفی (ص) را منیحت پر نفوذ ترین شخصیت تاریخ در برگ اول کتاب قرار داد، برای هیچ بشری این سؤال در مورد شخصیت والای پیشوای مسلمانان باقی نماند. پس احادیث که به اخلاق پیشوای اسلام مطابقت ندارد آن حدیث جعلی است. طور مثال در بعضی از احادیث میخوانیم که پیامبر فلان شخص را لعنت کرده است. این نوع احادیث از اخلاق صالح پیشوای اسلام که زبان زد خاص و عام است بدور است. مهمتر اینکه دو موضوع از نگاه قرآن شناسی قابل غور و دقت است یکی اینکه لعنت کردن حق خداوند است که کفار را لعنت کرده است و اما پیشوای اسلام بعد از فتح مکه کفار را بخشوده است. دوم حلال و حرام حق خداوند است و بنده حق حلال کردن و حرام کردن را ندارد. احادیث متعدد در بخاری و مسلم و نهج الفصاحه که دانشمندان شیعه جمع‌آوری کرده اند و غیره آمده است که به اخلاق پیامبر گرامی اسلام مطابقت ندارد.

سوم عدالت در حدیث است که آیا انجائیکه مردم مطرح هستند عدالت مطرح شده است یا خیر؟ زیر بنای تمدن اسلامی سه «ع» است که آن عبارت است از علم، عبادت و عدالت. یعنی در اسلام این سه موضوع بسیار شدید مطرح است. چون زیر بنای اساسی اسلام علم است پس هر مطلب به شمول حدیث باید دیده شود که جنبه علمی دارد یا خیر. بعداً یک موضوع انسان را به پرستش خداوند و بندگی خداوند نزدیک میکند یا خیر و سوم دیده شود که حدیث عدالت را مطرح کرده است و یا خیر و اگر نکرده است آن حدیث جعلی است. طور مثال یک حدیث را من باز گردانی میکنم که روایت شده اگر یک زن با شوهرش همبستر نه می‌شود ملائک آن زن را لعنت میکنند. اول اینکه مطالعات اسلام شناسی به ما می‌رساند که ملائک از خود هیچ کاری را کرده نه می‌توانند مگر به اذن خداوند. دوم اینکه در سوره نساء آیه اول میخوانیم که خداوند مرد و زن را از نفس واحد آفریده است. یعنی در خلقت نفس زن و نفس مرد تفاوتی وجود ندارد. یعنی خداوند در خلقت مرد و زن تبعیض نکرده است و این عدالت خداوندی است. سؤال طرح می‌شود که اگر مرد نخواهد با همسرش همبستر شود آیا فرشتگان او را هم لعنت میکنند؟ می‌بینیم که این حدیث نه به عدالت مطابقت دارد و نه به نص قرآن پاک و نه به شخصیت پیشوای اسلام سنت‌ها ی که با زمان امروز سازش ندارد باید در حاشیه نگاشته شود که قابل تطبیق نیست و اما منحیث یک برگه از ادبیات اسلامی حفظ شود

در خاتمه و نتیجه این نوشتار اولین برنامه باید تجدید نظر در تفسیر قرآن مجید باشد. کار علمای کرام در گذشته قابل ستایش و قدر دانی است و اما امروز در ساحة علوم پیشرفت قابل ملاحظه صورت گرفته است و ما به وضاحت می‌بینیم که در تفسیر قرآن هم اشتباهات تفسیری وجود دارد و هم از نگاه زبان املائی و انشائی. طور سوره بقره) تره و بادرنگ و فومها گندم تفسیر شده است. مطالعات دقیق 61 مثال در تفسیر کابلی قنأ نها (آیه نباتات نشان میدهد که تفسیر درست آن فاصولیا و سیر است. خداوند امروز بشر را قادر ساخت تا در اثر تحقیقات و مطالعات اکتشافات و اختراعات شگفت انگیز کند و اما ما در تجدید تفسیر غفلت می‌کنیم بدین صورت مسلمانان را به بیراهه می‌کشانیم و من نه میدانم که دانشمندان اسلام که پیشتازان جامعه هستند در آخرت چه جواب میدهند. بعد از تفسیر قرآن پاک که مسایل ساینس، و همه علوم در نظر گرفته شود باید احادیث را غریب کنیم و آن احادیث که به نص قرآن پاک، شخصیت پیشوای اسلام و عدالت سازگار نیست باید مطلقاً کشیده شود و بدین صورت است که دامن زن ستیزی، تعصب و تنگ نظری ها جمع می‌شود و همان نیت را که خداوند و رسول او برای بنده دارد یعنی زندگی متمدن زندگی فارغ از تعصب، علم را اساس کار قرار دادن و زندگی برادروار

شامل حال ما خواهد شد  
هجری خورشیدی و مصادف 1392 هجری قمری مطابق بیست و پنجم سرطان/تیر 1434 هفتم رمضان المبارک  
مسیحی نگاشته شد 2013 به شانزدهم ماه جولای